یلدای سیاسیون

«بلندترین شب هم که باشی پایانت روز است» این خلاصه استعاره‌ای است که بسیاری از متون آغشته به سیاست در میان جریان‌های آزادیخواه جهان دستی به آن یازیده‌اند. در فرهنگ ایرانی که شب یلدا را به‌عنوان بلندترین شب سال با مراسمی آیینی همراه کرده این شب، شب میلاد الهه خورشید، عدالت، پیمان و جنگ است؛ پس بیگانه با سیاست دست کم از نوع آرمان خواهانه‌اش نیست.

وجه دیگر یلدا، دورهم بودن و گرد هم آمدن است. این گرد هم آمدن در نگاه حداقلی اگر به معنای همنشینی خانواده‌ها، دوستان و آشنایان باشد در وجه حداکثری پیوند دهنده یک ملت به یکدیگر است؛ ملتی که اگرچه در اقوام، ادیان و مذاهب گوناگون منشعب شده‌اند اما هویتی یگانه دارند؛ ایرانی‌اند و سده هاست که ایرانیت خود را در آیین‌هایی چون یلدا و نوروز به جشن می‌نشینند. از این حیث یلدا و بسیار دیگر از این رسوم فرهنگی و اجتماعی فراگیر ایران که می‌توانستند همپای یلدا شناخته شوند اما مغفول مانده‌اند در ورای خود به‌دلیل قوام بخشیدن به یک ناخودآگاه جمعی کارکردی دارند که با انسجام و امنیت ملی کشور در پیوند اند و طبیعتاً کم رنگ شدن و بی‌اعتنایی به آنها بی‌خسران نیست.

با این مقدمه، پرسش از سیاستمداران و روحانیون درباره رابطه‌شان با یلدا و چگونه برگزار کردن آن امری غریب و بیهوده نیست. رابطه نخبگان سیاسی از هر دست با امر اجتماعی به نحو مؤثری می‌تواند در سطوح مختلف تصمیم گیری‌های آتی آنها اثرگذار باشد. با وجود این تجربه پرسش از آنها در این باره نشان داد که بسیاری از سیاستمداران تمایلی به پرداختن به چنین موضوعاتی ندارند یا آنقدر گرفتارند که سال‌هاست وقتی برای حضور در عادی‌ترین مناسک را نداشته‌اند.

با این حال بعضی از آنها به پرسش ما پاسخ دادند و خاطرات خواندنی داشتند، از یلداهای در کنار مادرو خانواده تا یلداهای دور از خانواده و در زندان.



ابوالحسن نواب در گفت‌وگو با «ایران» از شب یلدای روحانیون می‌گوید

گرامیداشت «یلدا» حکم تأییدی اسلام است

مهر اوه خوارزمی
خبرنگار



کنجکاو شدم که بدانم روحانیون و خاصه طلبه‌هایی که در حجره‌های طلبگی روزگار سپری می‌کنند شب یلدایشان چه شکلی است. این شد که با حجت‌الاسلام ابوالحسن نواب، عضو جامعه روحانیت مبارز تماس گرفتم. موضوع به نظرش ساده بود و گفتن از این‌که میان چنین آیین‌هایی با اسلام تضادی نیست امری تازه به نظر نمی‌رسید. برخلاف تصور اما گفت‌وگویمان جالب و خواندنی شد. خاصه که به‌قول این روحانی اهل سیاست یلدا هم که اول زمستان و با بزن و برقص و لهو و لعب همراه نیست. شبی است به صرف دورهمی خانواده‌ها که اتفاقاً سنتی است مورد تأکید اسلام.

■ **نگاه روحانیون به آیین‌های ایرانی مانند آیین یلدا چگونه است؟ آیا به رسم دیگر مردم دورهمی‌هایی از این دست برگزار می‌کنید؟**

نخست باید بگویم که روحانیون با این سنت‌ها در زمان شاه اصلاً میانه نداشتند چون دربار پهلوی از این سنت‌ها حمایت می‌کرد و در نتیجه روحانیون در مقابل این سنت‌ها گارد می‌گرفتند. بنابراین انقلابیون و افراد مؤثر در مبارزات انقلابی حتماً با شب یلدا میانه‌ای نداشتند.

■ **یعنی ممکن بود حتی مردم را از برگزاری آن مراسم نهی کنند؟**

هر چه از این مظاهر مورد پسند شاه بود حتماً با آن مقابله می‌کردند. زیرا شاه ایرانیت را در مقابل اسلامیت قرار داده بود و می‌خواست با رسوم و آیین ایرانی به مبارزه با اسلام برود. بر همین اساس تاریخ هجری شمسی را به تاریخ شاهنشاهی بازگرداند.

■ **آن نگاه در سال‌های پس از انقلاب تا چه حد دوام آورد؟**

بعد از انقلاب مناسبات ایران و اسلام تغییر کرد و کلاً آن نگاه منفی به رسوم ایرانی برداشته شد زیرا دیگر کسی این رسوم ایرانی را در مقابل اسلام حس نمی‌کرد. وحدت هویتی میان این دو پیدا شده بود که دیگر به مبارزه با هم برنمی‌خاستند.

می دانید که احکام اسلام بر دو نوع تأسیسی و تأییدی است. بر این اساس باید اعیادی چون غدیر، قربان و فطر را احکام تأسیسی اسلام دانست. اما جز این رسومی در هر یک از کشورهایی که اسلام در آنها اشاعه یافت وجود داشت. اسلام برخی از این رسوم را تأیید و بخشی دیگر را رد کرد. بنابراین برخی رسوم و آداب در ایران بوده است که اسلام با آن مخالفتی ندارد و اتفاقاً می‌شود با آنها آثار مثبتی را همراه کرد.

از جمله این مراسم یکی هم شب یلدا است. زیرا اسلام هر نوع سرکشی به خانواده، رفت و آمد و هر نوع صله رحم و دید و بازدید را تأیید می‌کند. شب یلدا هم شبی است که مردم دور هم جمع می‌شوند و صله رحم می‌کنند چه اشکالی دارد؟ به نظر ما رسم پسندیده‌ای است. شب یلدا چون فصلش هم زمستان است و فصلی هم نیست که بگوییم رقص و ساز و آواز و مجالس لهو و لعب است. بنابر این رسمی نیست که اسلام با آن مشکل داشته باشد.

■ **خاطره‌ای از دورهمی‌های یلدایی تان به یاد دارید؟**

ما که طلبه زمان انقلاب بودیم و در زمان طلبگی اصلاً مناسبتی نداشت که از این جشن‌ها بگیریم. بعد از انقلاب هم آنقدر گرفتار کار بودیم که چنین فرصتی وجود نداشت. البته نوعاً مجالس طلبه‌ها و گعده‌هایشان برگزار می‌شود که آنها هم دورهم می‌نشینند و معمولاً سعی می‌کنند از این فرصت استفاده علمی کنند.

■ **این که روحانیون کشور زیستی متفاوت از مردم را تجربه می‌کنند و تمایلی به همراهی با این آیین‌ها ندارند مشکل‌ساز نیست؟**

مسأله ما زیست روحانیون نیست. مسأله اصلی این است که ما با مردم طرفیم و نباید برای آنها مانع ایجاد کنیم. اسلام و دین نباید ترمز محسوب شود. زیرا دین ضد نشاط، دور هم بودن و محافل خانوادگی و مجالس انس و الفت نیست بلکه مؤید این کارها است. بنابر این در مواجهه با این آیین‌ها اصلاً تعامل روحانیون نباید برای مردم ملاک باشد. چرا که ما روحانیون شرایط فرهنگ و تعامل‌های خاص خودمان را داریم مثل نظامی‌ها و نباید نگاه خودمان را به کسی تحمیل کنیم. ما باید اصولی را به مردم بگوییم و در چارچوب آن اصول مردم را آزاد بگذاریم. اصول ما این است که زندگی تان را به لهو و لعب نگذرانید. اما ما به هیچ وجه دید و بازدید را لهو و لعب نمی‌دانیم بلکه برعکس آن را عملی مستحب و تأکید شده می‌دانیم. ما فقط باید چارچوبی را که اسلام با قید حلال و حرام و مباح مشخص کرده است مشخص کنیم. چیزی را که اسلام مباح یعنی مجاز دانسته چرا باید ما منع کنیم. شب یلدا هم سنتی است که می‌شود از آن نقطه مثبت و واجب در آورد.

■ **با این حساب اگر سر کلاس طلبه هایتان بخواهند به بهانه شب یلدا شما کلاس را زودتر تعطیل کنید چه؟**

اگر درس واجبی باشد نه، تعطیل نمی‌کنم اما اگر بدانم که کمی عقب افتادن کلاس ضرری نمی‌رساند با خواسته شان موافقت می‌کنم.

■ **اما آن نگاهی که گفتید پیش از انقلاب مثلاً یلدا را نماد نظام شاهنشاهی می‌دانستند امروز هم با این نگاه که ممکن است این نمادها مورد استفاده بخشی از مخالفان نظام باشد با این نمادها مخالفت می‌کنند.**

کسی الآن این طور نیست. الآن نظام اسلامی ما با نوروز هم کنار آمده است.

■ **اما بر خلاف آنچه شما می‌گویید این نگاه‌ها وجود دارد و مثلاً در واکنش به احترام مردم به کوروش علیه آن سخنرانی می‌کنند.**

بله یک تندروی‌هایی انجام می‌شود والا رفتار کوروش با یهودی‌ها برای ما یک افتخار است. ما در همه دنیا و در همه سمینارهای بین‌المللی می‌گوییم که شاه عباس مان رفتار خوبی با ارامنه داشت و کوروش مان به یهودی‌ها در بابل پناه داد. علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان شان احتمال می‌دهند که کوروش همان ذوالقرنین است و این معنایش این است که احتمالاً او یک پیغمبر بوده است. بنابراین دیدگاه‌های تندروانه‌ای که مطرح می‌شود نگاه حاکمیتی نیست. کوروش سرتاپا افتخار است و مقابله با آن کار درستی نیست. در ضمن باید بدانیم که قراردادن کوروش و دیگر مصداق‌های فرهنگ و تاریخ ایران در مقابل این ارزش‌ها اقدام نادرستی است. کلاً ما باید از ایجاد تقابل میان مردم و اسلام، بین اسلامیت و جمهوریت، بین ملیت و اسلامیت پرهیز کنیم. اما بعضی‌ها هنرشان حاشیه‌سازی و تقابل درست کردن است. خلاصه کلام این که خیلی از رسوم ایرانی رسوم انسانی است و ما با رسوم انسانی هیچ مقابله‌ای نداریم.

یلدای در بند

۱ یادداشت



آذر منصوری
فعال سیاسی
اصلاح‌طلب

شب‌های یلدا آنگاه که در جمع خانواده باشی و به حافظ خوانی و هندوانه و آجیل شب یلدا خوران و تازه شدن دیدارها سپری می‌شود، خاطره انگیزند و گاهی هم تلخ که سال به سال که می‌گذرد، باید به دیدن جای خالی آنها که در جمع نیستند عادت کنی. اما برای من خاطره انگیزترین شب یلدا شبی بود که زندان بودم. خاطره انگیز از آن رو که هر کدام با خود فکر می‌کردیم که امشب خانواده‌های ما طولانی‌ترین شب سال را چگونه سپری می‌کنند و نگران که مبادا در نبود ما غصه دار باشند. خاطره انگیزتر از آن روی که با مقدوراتی محدود در آن شب دلمان را شاد کردیم. از تخمه و انار و آجیل و شیرینی‌های معمول شب یلدا خبری نبود، حافظ هم نداشتیم که حافظ خوانی کنیم و فالی بگیریم و هندوانه‌ای هم در کار نبود که با بو و طعم آن فضای سلول بازداشتگاه را عطر آگین کنیم. چند سیب و چند پرتقال بود که با آب میوه‌ای که پول داده بودیم تا نگهبانان بند برایمان خریده بودند، مخلوطش کردیم و هرکدام در حد چند قاشق خوردیم، اما طعم و مزه آن هنوز از خاطر هیچ‌کدام‌مان نرفته است.

هر چند دیوار سلول را با تصاویر گل‌ها و برگ‌های روی قوطی‌های دوغ و آبمیوه و دستمال کاغذی مزین کرده بودیم، هرچند با خمیر نان‌های باقیمانده از غذا، مهره ساخته بودیم و تصویری از مارو پله روی همین جعبه ها؛ و حبه قندی که آنقدر سائیده بودیم تا مهره اصلی منچ و مارو پله دقیق باشد؛ خانه آخرهم آزادی بود.

شب یلدا اما همه اینها را کنار گذاشته بودیم و قرارمان ساختن همان یلدای خاطره انگیز بود.

برای ما شب و روز البته تفاوتی نداشت؛ چرا که لامپ های سلول ۲۴ ساعت روشن بود. راستش را بخواهید دلمان برای تاریکی هم تنگ شده بود.

شب یلدا هر کدام هر شعری که بلد بودیم خواندیم. مشاعره هم کردیم؛ از خاطره‌ها گفتیم؛ دعا هم خواندیم. مفاتیح و قرآن در اختیارمان گذاشته بودند. آن شب اما فقط دعا خواندیم. قسمت آخر یلدای ما جوک‌ها یی بود که بچه‌ها تعریف کردند. همه جوک‌هایی که به یاد داشتیم تعریف کردیم.

آنقدر خندیدیم که صدای خانم نگهبان زندان هم در آمد و به در سلول زد وگفت چه خبرتان است بند را گذاشتید روی سرتان. گفتم مگر ساعت چند است؟ گفت یک بامداد. گفتم این شب یلدایی را به ما سخت نگیرید. چیزی نگفت و رفت.

نمی‌دانم ساعت چند خوابمان برد. اما آن شب وقتی طبق معمول هر شب چشم بندها را روی چشمان خود گذاشتیم، باز هم همه با صدای بلند می‌خندیدیم. بقیه را نمی‌دانم اما من تا اذان صبح بیدار بودم.

حرف‌های آدمانه شب چله

۲ یادداشت



محمد مهاجری
فعال سیاسی
اصولگرا

مادر - خدا رحمتش کند - سالی یک شب سرخوش بود. شب یلدا. دلیلش اینکه همه فرزندانش که بعد ازدواج از خانه رفته‌اند، در این شب قرار گذاشته بودند همگی بدون استثنا با خانواده هایشان دور هم باشند. در مناسبت‌های دیگر، دست کم یک غایب داشتیم. حتی عید نوروز و حتی روز مادر. اما در مورد شب یلدا هرکس هرجا بود خودش را به جمع می‌رساند. در مواقع غیر از شب یلدا، در نشست‌های خانوادگی از همه چیز حرف می‌زدیم. از گلایه‌های خانوادگی بگیر تا بحث‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی.

مادر، فراوان دیده بود که این بحث‌های داغ، گاهی به مشاجره و دلخوری و غرولند می‌کشد. به همین دلیل از همه خواسته بود در شب چله بحث سیاسی را تعطیل کنند. و به ادبیات خودش می‌گفت: «حرف‌های آدمانه بزنید»!

حرمت میزبان، همه را به رعایت خواسته مادر وامی داشت. بخصوص پدر - یادش بخیر - که همیشه یک پای بحث‌ها بود، در آن شب اجازه نمی‌داد که حرف‌های سیاسی، شیرینی دورهمی شب چله را تلخ کند. پایان شب که به خانه برمی گشتم، از اینکه رضایت مادر فراهم شده خرسند بودم و در تقویم ذهنم، یلدای بعدی را می‌جستم که باز هم برسد و با ممنوعیت مادر، یک شب دیگر بی‌سیاست سر به بالین بگذارم.

❖❖❖

۱۵ یلداست که مادر در میان ما نیست. همین که او نیست شیرینی شب چله اصلاً مزه قبل‌ها را ندارد و تلخ‌تر اینکه در دو یلدای اخیر که پدر هم میهمان مادر شده، یلداها شور و حال قبل را هم ندارد.

❖❖❖

گرچه باز هم همین شب را دور هم جمع می‌شویم، اما در لحظه لحظه‌اش یاد مادر بر سرم آوار می‌شود و گاهی ناشیانه زور می‌زنم که اشکم را پنهان کنم. بخصوص وقتی غصه دارتر می‌شوم که ذکر و حرف سیاست لعنتی، دمنوش تلخی شده که توی قوری زندگی‌مان ریخته‌ایم و روی سماور نفسانیت‌مان که گوشه اتاق قل قل می‌زند، بار گذاشته‌ایم و هی فنجان فنجان از آن می‌خوریم...

کاش مادر همچنان می‌بود و این دمنوش زهرهلاهل، لااقل برای یک شب به گلویمان نمی‌ریخت. کاش می‌بود و باز هم می‌گفت: «امشب را حرف‌های آدمانه بزنید.»

مرتضی گلپور
خبرنگار

سیاستمدار باشیم یا نباشیم، شب یلدا، شب یلدا است، دور هم نشستن‌های خانوادگی و فرصتی برای تجدید دیدار و حافظ خوانی. دست کم یلدا برای عباس سلیمی نمین این طوراست. دو هفته است که در تدارک برگزاری این شب هستند تا همه اعضای خانواده دور هم جمع شوند. مسئولیت گرفتن فال حافظ هم با همسر او است که به گفته سلیمی نمین، بسیار حافظ می‌خواند. صادق زیباکلام اما از این شب با عنوان «یلدا بازی» یاد می‌کند و می‌گوید چون در دوران کودکی ما یلدا، شب ویژه‌ای نبود، حالا هم برای من ویژه نیست. اما این باعث نمی‌شود که فرزندان او در این شب به سراغ خانه پدری نروند. گفت‌وگو با این دو فعال سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا درباره تجربه شب یلدایشان را می‌خوانید.

عباس سلیمی نمین:

شب یلدا، بحث سیاسی ممنوع است



■ **شب یلدا را چطور برگزار می‌کنید؟**

برخی از سنت‌های ما بسیار ارزشمند هستند. از آنجایی که دنیای جدید روز به روز درحال ماشینی شدن است، شب یلدا از جمله سنت‌های حسنه و فرصتی است تا افراد گردهم بیایند، بنشینند و صحبت کنند و انس و الفت‌ها فزونی پیدا کند. طبیعتاً در چنین شبی، هر یک از انسان‌ها از فضایی که برای خودشان ساختند که آنان را به ارتباطات شخصی خودشان محدود می‌کند، قدری فاصله می‌گیرند و این پوسته تاحدی شکسته می‌شود. امروز می‌بینیم که اعضای هر خانواده‌ای گرچه در کنار هم حرکت می‌کنند، اما هرکدام یک فضای منحصر به خود را ساختند که با فضای دیگری کاملاً بیگانه است و تداوم این وضعیت می‌تواند برای جامعه فاجعه بار باشد؛ یعنی بیگانگی را روز به روز میان مادر و دختر و مادر و پسر و همین طور در نسل‌های دیگر به وجود می‌آورد. به همین دلیل من سعی می‌کنم شب یلدا را فرصتی تلقی کنم که خانواده دور هم جمع شویم. امسال هم این قرار را گذاشتیم و تأکید هم داریم که همه دور هم جمع شویم.

■ **شب یلدای امسال در خانه شما است یا خانه فرزندان؟**

فرزندان به خانه ما می‌آیند. در این شب هم گفت‌وگوهای عادی انجام می‌شود و این طور نیست که گفت‌وگوی سیاسی داشته باشیم. زیرا زیبنده و مناسب نخواهد بود که بحث سیاسی داشته باشیم.

■ **همه خانواده با رویکرد شما همسو هستند یا تفاوت هم وجود دارد؟**

گاهی تفاوت فاحش هم دیده می‌شود.

■ **اصلاح طلب هم هستند؟**

نه اصلاح طلب به معنای مصطلح، اما نقدکننده دیدگاه‌های من هستند. اما در این شب وارد این مباحث نمی‌شویم. چون شب یلدا را فرصتی می‌دانیم تا مقداری به هم نزدیک شویم و فضا را تلطیف کنیم.

■ **فال حافظ هم می‌گیرید؟**

همسرم بسیار به حافظ علاقه دارند و بسیار حافظ می‌خوانند. معمولاً ایشان حافظ را باز می‌کنند.

■ **از فال سال گذشته حافظ خودتان راضی بودید؟**

یادم نیست که چه غزلی بود، اما طبیعتاً سال گذشته سال پرتلاطمی بود. اما من فکر می‌کنم که برآیند همه این تلاطمات و فعل و انفعالات برای جامعه ما قطعاً مثبت است. اگر به فکر بهبود بخشیدن به جامعه باشیم.

■ **از چه زمانی برای تدارک شب یلدا در خانه بحث بود؟**

دو هفته است که همسرم دارد تلاش می‌کند تا برنامه‌های بچه‌ها با هم منطبق شود. چون غالباً منطبق شدن برنامه‌ها با همدیگر سخت شده است، چون الان هر کسی برای خودش تشکیل خانواده کوچکی داده است و برنامه‌های خاصی برای خودشان دارند، هماهنگ کردن این برنامه‌ها با همدیگر قدری دشوار شده است.

صادق زیباکلام:

اهل «یلدابازی» نیستم



■ **شب یلدای امسال کجا می‌روید؟ برنامه خاصی دارید؟**

شب یلدا هیچ جا نمی‌روم و برنامه خاصی هم نداریم. در این شب در خانه هستم، اما هیچ کار مخصوصی نمی‌کنم، هیچ مراسم مخصوصی هم به جای نمی‌آورم و برای من شبی مانند شب‌های دیگر است.

■ **چرا؟ حتی بچه‌های شما هم جمع نمی‌شوند؟**

معمولاً نه، البته ممکن است بچه‌ها، دخترها و دامادها، برای شام به خانه ما بیایند، اما من کار خاصی نمی‌کنم.

■ **برنامه‌ریزی و تدارک خاصی برای این شب ندارید؟**

من خبر ندارم که چه برنامه‌ای دارند، چون خودم اهل «یلدابازی» نیستم.

■ **چرا یلدابازی؟**

چون در دوران کودکی من یلدا میان ایرانیان مرسوم نبود، من هم این طوری بزرگ شدم که یلدا یک شب معمولی است.

■ **کجا بزرگ شدید؟**

در تهران بزرگ شدم، در دهه ۴۰، به دبستان غزالی در خیابان سینا می‌رفتم و دوره دبیرستان را هم در دبیرستان رهنما در خیابان منیریه سپری کردم. در آن دوران یلدا موضوعیت نداشت. بنابراین، من فکر می‌کنم بعد از انقلاب نگاه به فرهنگ و تمدن ایران باستان در حال مطرح شدن است که در دوران کودکی من، این مسائل برجسته نبود، یا نگاه به گذشته و ایران قبل از اسلام و باستان گرایی، مد نبود.

■ **بنابراین، دخترشما شب یلدا را باید در خانه آقای احمد توکلی باشند؟**

فکر می‌کنم هر دو جا باشد، هم سری به دکتر توکلی می‌زنند و هم به خانه ما برای شام بیایند.

■ **بچه‌ها گلایه نکردند که چرا شما به شب یلدا و رسوم آن بی‌تفاوت هستید؟**

چرا، گلایه کردند؛ ضمن اینکه برخی از دوستانم هم به من این را می‌گویند، اما می‌گویند همانقدر که فیلم بازی نمی‌کنی و ظاهر و باطنت یکی است و محض رضایت ما چیزی را نمی‌گویی که خوشت بیاید، همین خوب است.

■ **تاکنون برای شب یلدا به مراسم سیاسی دعوت شدید؟**

خیر، فقط یادم هست که چند سال پیش شب یلدا با وفات یکی از ائمه مصادف شده بود که در آن شب حتی میهمانی معمولی را هم تعطیل کردم. اما برای امسال تدارک ویژه‌ای مبنی بر اینکه خرید خاصی باشد، نداریم.